

گفت‌وگویی «وطن امروز» با **دکتر ملوک السادات بهشتی** فرزند ارشد آیت‌الله شهید دکتر بهشتی پیرامون سیره و منش اجتماعی و خانوادگی ایشان

بهشتی را دوباره باید شناخت

صفحه ۵

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ دولت کانادا تا **سال ۲۰۱۹** کودکان بومی را از خانواده‌های شان جدا کرده و به خانواده‌های سفید پوست تحویل داده است

کانادای کودک دزد

آیا دولت جاستین ترودو به خاطر نسل‌کشی فرهنگی بومیان و ۲ قرن نقض حقوق بشر در کانادا عذرخواهی می‌کند؟

همین صفحه



چشم مسلمانان به ایران

واکنش تمجید آمیز افکار عمومی جهان عرب نسبت به ساخت واکسن ایرانی کرونا و تزریق آن توسط رهبر انقلاب

کانادای کودک دزد

دولت کانادا چطور به نابودی افراد و فرهنگ بومیان می‌پرداخته است؟

کانادا برای تکمیل پازل تبدیل کردن آنها به انسان‌هایی به‌زعم آنها «متمدن» و در وهله اول کودکان از مادران و پدران خود جدا شده، کیلومترها دورتر در مدارس شبانه‌روزی مستقر می‌شدند. بعد از آن؛ نخستین گام کوتاه کردن موی آنها بود که برخلاف فرهنگ بومی کانادا بود. آنها مجبور بودند بونفیرهای مخصوص به تن کنند، اگر به زبان مادری خود صحبت می‌کردند تنبیه می‌شدند و مجبور بودند انگلیسی یاد بگیرند. زبان لاتین یادگرفته و کتاب مقدس می‌خواندند. بعد از این، بر اساس گزارش‌ها، کودکان نیمی از روز را در این مدارس به کار کردن می‌پرداختند. دختران کارهای نظافت، پخت‌وپز و رسیدگی به امور خوابگاه‌ها را برعهده می‌گرفتند و پسران باید کشاورزی کرده و ادوات کاری می‌ساختند. این اقدامات لزوماً برای آموزش آنها نبود و دولت کانادا و کلیسای کاتولیک از کار کردن این کودکان درآمد کسب و با آنها مانند نیروی مجانی کار برخورد می‌کردند. آموزش منظم کلسیا و دولت کانادا برای این دانش آموزان در انتهای امر اما باعث نمی‌شد آنها به سمت آموزش علم یا دروس مختلف بروند بلکه به آنها آموزش داده می‌شد که چطور خدمتکاران خوبی باشند. چطور در صنایع مختلف مشغول کارگری شوند. در همین پروسه، برای کودکانی که خود باید غذای خود را می‌گاشتند، ممکن بود کمبود مواد غذایی به وجود یابد و بسیاری از آنها به دلیل کمبود مواد غذایی مغذی یا حتی بیماری‌هایی که به آنها رسیدگی نمی‌شد، جان خود را از دست می‌دادند.

در عین حال این کودکان در مدارس معمولاً مورد سوءاستفاده جنسی، روانی و فیزیکی قرار می‌گرفتند. بهانه‌های دیگری که درباره علت مرگ‌ومیر این کودکان آورده می‌شود این است که غذا و آب مورد نیاز این مدارس بخوبی تامین نمی‌شد و بسیاری از این کودکان بر اثر بیماری جان خود را از دست داده‌اند. این در حالی است که با کشف این گورها، حالا باید تا سوال اصلی دیگر این است؛ چرا وقتی یک کودک جان خود را از دست می‌دهد، جسد او برای خانوادهاش فرستاده نمی‌شد؟ برخی بر این عقیده‌اند به دلیل بالا بودن مسافت بین خانه و مدارس، دولت کانادا و مدیریت مدارس ترجیح می‌دادند به جای فرستادن اجساد به

بعد از تأسیس مدرسه کارلایل در آمریکا برای کودکان بومی در سال ۱۸۷۹، فردی که این مدرسه را تأسیس کرد؛ یعنی ژنرال ارتش آمریکا «یچاره هنری پرت» بسیار معروف شد. این شهرت به خاطر این کلام او بود که می‌گفت: «سرخپوست‌ها را بکشید؛ آدم‌ها را حفظ کنید». این جمله به این معنی بود که باید فرهنگ بومیان کانادا و آمریکا کشته شده و از بین برود؛ بخش سرخپوست فرد بومی را از او بگیرد و بخش انسانی او را زنده نگه دارد و او را به اصطلاح «متمدن» کند. استدلال اصلی افرادی چون «یچاره هنری پرت» این بود که می‌خواستند از جداسازی بومیان از جمعیت سفیدپوست خودداری کنند و دیگر هویتی به نام انسان‌های بومی یا سرخپوستان در آمریکا و کانادا نداشته باشند.

شاید ایالات متحده نخستین حامی و موثر برای شکل‌گیری این مدارس باشد اما بعد از مدتی این مدارس به کل تعطیل شد و دیگر تلاشی جهت تبدیل سرخپوستان به آدم‌هایی با تفکر سفیدپوست نشد. جامعه آمریکایی آنها را بر احمقانه ندیده گرفت و به حاشیه راند اما این پروسه در کانادا ادامه پیدا کرد و بیشتر از سفیدپوستان رخ می‌دهد و هنوز هم پرونده‌های جنایی درباره دزدیده شدن کودکان یا دختران و زنان بدون توجه خاصی و بدون نتیجه بسته می‌شود. شاید صحبت کردن از تاریخ کانادا و اقدامات وحشیانه‌ای که درباره کودکان انجام می‌شده و حشتناک باشد اما وحشتناک‌تر از آن، این است که بدانیم این سیاست‌ها و این اقدامات همچنان ادامه دارد. روش جدید جداسازی کودکان بومی از والدین‌شان که از دهه ۶۰ میلادی تاکنون در پیش گرفته شده است، این است که به بیمارستان‌ها یا برچسب‌گذاری و مشخص می‌کنند که کدام یک از این مادران «ممکن است» نتواند بخوبی از کودک خود مراقبت کند. این مادران برچسب‌گذاری می‌شوند و بعد از مدتی از آن‌ها دور کودک سراسر آنها می‌روند و به بهانه عدم توانایی در مراقبت از کودک، او را از مادرش جدا می‌کنند. این اتفاق درباره بومیان شدت اتفاق می‌افتد و آمار بسیار بالایی دارد. نکته جالب اینجاست که این اتفاقات نه در تاریخ قدیمی کانادا، بلکه در زمان حاضر اتفاق می‌افتد. این سیاست به صورت رسمی تا سال ۲۰۱۹ یعنی تا همین ۲ سال پیش یعنی در سال‌های نخست‌وزیری جاستین ترودو همچنان ادامه داشته است.

نقش آمریکا در نسل‌کشی فرهنگی سرخپوستان

در بررسی تاریخچه این موضوع نباید از نقش ایالات متحده و سیاست‌های این کشور در این باره نیز به سادگی عبور کرد. این اقدامات در کانادا تحت تأثیر اقداماتی که در آمریکا درباره کودکان بومی اعمال شده بود، انجام شد. نیکلاس فلود داوین، یکی از نمایندگان پارلمان کانادا در یکی از سخنرانی‌های خود بخوبی اشاره کرده است که «تلاش‌های کانادا برای پیاده کردن این سیاست، دقیقاً بعد از اقدامات آمریکا در این زمینه شروع شد.»

نکته جالب در این باره این است که جداسازی کودکان از والدین‌شان در کانادا هنوز هم یکی از مشکلات اصلی در زندگی بومیان این کشور است. بیشتر از سفیدپوستان رخ می‌دهد و هنوز هم پرونده‌های جنایی درباره دزدیده شدن کودکان یا دختران و زنان بدون توجه خاصی و بدون نتیجه بسته می‌شود. شاید صحبت کردن از تاریخ کانادا و اقدامات وحشیانه‌ای که درباره کودکان انجام می‌شده و حشتناک باشد اما وحشتناک‌تر از آن، این است که بدانیم این سیاست‌ها و این اقدامات همچنان ادامه دارد. روش جدید جداسازی کودکان بومی از والدین‌شان که از دهه ۶۰ میلادی تاکنون در پیش گرفته شده است، این است که به بیمارستان‌ها یا برچسب‌گذاری و مشخص می‌کنند که کدام یک از این مادران «ممکن است» نتواند بخوبی از کودک خود مراقبت کند. این مادران برچسب‌گذاری می‌شوند و بعد از مدتی از آن‌ها دور کودک سراسر آنها می‌روند و به بهانه عدم توانایی در مراقبت از کودک، او را از مادرش جدا می‌کنند. این اتفاق درباره بومیان شدت اتفاق می‌افتد و آمار بسیار بالایی دارد. نکته جالب اینجاست که این اتفاقات نه در تاریخ قدیمی کانادا، بلکه در زمان حاضر اتفاق می‌افتد. این سیاست به صورت رسمی تا سال ۲۰۱۹ یعنی تا همین ۲ سال پیش یعنی در سال‌های نخست‌وزیری جاستین ترودو همچنان ادامه داشته است.

نقش آمریکا در نسل‌کشی فرهنگی سرخپوستان

در بررسی تاریخچه این موضوع نباید از نقش ایالات متحده و سیاست‌های این کشور در این باره نیز به سادگی عبور کرد. این اقدامات در کانادا تحت تأثیر اقداماتی که در آمریکا درباره کودکان بومی اعمال شده بود، انجام شد. نیکلاس فلود داوین، یکی از نمایندگان پارلمان کانادا در یکی از سخنرانی‌های خود بخوبی اشاره کرده است که «تلاش‌های کانادا برای پیاده کردن این سیاست، دقیقاً بعد از اقدامات آمریکا در این زمینه شروع شد.»

بعد از تأسیس مدرسه کارلایل در آمریکا برای کودکان بومی در سال ۱۸۷۹، فردی که این مدرسه را تأسیس کرد؛ یعنی ژنرال ارتش آمریکا «یچاره هنری پرت» بسیار معروف شد. این شهرت به خاطر این کلام او بود که می‌گفت: «سرخپوست‌ها را بکشید؛ آدم‌ها را حفظ کنید». این جمله به این معنی بود که باید فرهنگ بومیان کانادا و آمریکا کشته شده و از بین برود؛ بخش سرخپوست فرد بومی را از او بگیرد و بخش انسانی او را زنده نگه دارد و او را به اصطلاح «متمدن» کند. استدلال اصلی افرادی چون «یچاره هنری پرت» این بود که می‌خواستند از جداسازی بومیان از جمعیت سفیدپوست خودداری کنند و دیگر هویتی به نام انسان‌های بومی یا سرخپوستان در آمریکا و کانادا نداشته باشند.

شاید ایالات متحده نخستین حامی و موثر برای شکل‌گیری این مدارس باشد اما بعد از مدتی این مدارس به کل تعطیل شد و دیگر تلاشی جهت تبدیل سرخپوستان به آدم‌هایی با تفکر سفیدپوست نشد. جامعه آمریکایی آنها را بر احمقانه ندیده گرفت و به حاشیه راند اما این پروسه در کانادا ادامه پیدا کرد و بیشتر از سفیدپوستان رخ می‌دهد و هنوز هم پرونده‌های جنایی درباره دزدیده شدن کودکان یا دختران و زنان بدون توجه خاصی و بدون نتیجه بسته می‌شود. شاید صحبت کردن از تاریخ کانادا و اقدامات وحشیانه‌ای که درباره کودکان انجام می‌شده و حشتناک باشد اما وحشتناک‌تر از آن، این است که بدانیم این سیاست‌ها و این اقدامات همچنان ادامه دارد. روش جدید جداسازی کودکان بومی از والدین‌شان که از دهه ۶۰ میلادی تاکنون در پیش گرفته شده است، این است که به بیمارستان‌ها یا برچسب‌گذاری و مشخص می‌کنند که کدام یک از این مادران «ممکن است» نتواند بخوبی از کودک خود مراقبت کند. این مادران برچسب‌گذاری می‌شوند و بعد از مدتی از آن‌ها دور کودک سراسر آنها می‌روند و به بهانه عدم توانایی در مراقبت از کودک، او را از مادرش جدا می‌کنند. این اتفاق درباره بومیان شدت اتفاق می‌افتد و آمار بسیار بالایی دارد. نکته جالب اینجاست که این اتفاقات نه در تاریخ قدیمی کانادا، بلکه در زمان حاضر اتفاق می‌افتد. این سیاست به صورت رسمی تا سال ۲۰۱۹ یعنی تا همین ۲ سال پیش یعنی در سال‌های نخست‌وزیری جاستین ترودو همچنان ادامه داشته است.

نقش آمریکا در نسل‌کشی فرهنگی سرخپوستان

در بررسی تاریخچه این موضوع نباید از نقش ایالات متحده و سیاست‌های این کشور در این باره نیز به سادگی عبور کرد. این اقدامات در کانادا تحت تأثیر اقداماتی که در آمریکا درباره کودکان بومی اعمال شده بود، انجام شد. نیکلاس فلود داوین، یکی از نمایندگان پارلمان کانادا در یکی از سخنرانی‌های خود بخوبی اشاره کرده است که «تلاش‌های کانادا برای پیاده کردن این سیاست، دقیقاً بعد از اقدامات آمریکا در این زمینه شروع شد.»

یادداشت
نمائه اکوان: چند هفته پیش ۲۱۵ جسد از کودکان بومی در

مدرسه‌ای در بریتیش کلمبیا کشف شد. چند روز پیش نیز رسانه‌ها از کشف گور جمعی دیگری حاوی جسد ۷۵۰ کودک دیگر در کانادا خبر دادند. این مدارس شبانه‌روزی بودند که کودکان بومی کانادا که از والدین‌شان در دهه‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۶۰ جدا شده بودند، در آنها نگهداری می‌شدند. سیاست دولت کانادا در آن زمان جدا کردن کودکان بومی از والدین‌شان و تربیت آنها در مدارس شبانه‌روزی بود تا هویت بومی خود را از دست داده و با هویت اروپایی که در آن زمان در کانادا مستقر شده بود، پرورش پیدا کرده و بزرگ شوند. مردم کانادا از تاریخچه این مدارس و سوءاستفاده‌هایی که این مدارس از کودکان می‌کردند، کاملاً آگاه بودند اما کشف گور جمعی کودکان در زمین یکی از این مدارس نه تنها مردم این کشور، بلکه مردم جهان را در شوکی عظیم فرو برد.

این مساله، مساله‌ای نوین در فضای سیاسی و اجتماعی کانادا نیست. گزارش‌های زیادی پیش از این راجع به نوح برخورد با بومیان کانادا منتشر شده بود. «کمیسون ملی حقیقت و مصالحه» کانادا گزارشی سال ۲۰۱۵ منتشر کرده و درباره نوح برخورد با بومیان مختلف از منتشر شده بود. اما این حادثه تأثیرات زیادی بر این مساله داشت که مشخص شود این مدارس شبانه‌روزی واقعا چه اقداماتی انجام می‌دادند و دولت چطور به صورت عمده‌اند با بومیان آمریکایی و کانادایی برخورد می‌کرده است. حالا دیگر مشخص است که مدارس شبانه‌روزی را چیزی غیر از تلاش برای «نابودی فرهنگی» یا حتی «نسل‌کشی بومیان» در این کشور دانست.

ماجرای گورهای جمعی چیست؟

از سال‌های ابتدای دهه ۱۸۷۰ میلادی تا ابتدای دهه ۱۹۶۰، برای اینکه کودکان بومی از فرهنگ اصلی خود دور شوند، توسط دولت کانادا از پدران و مادران خود دور شده، کیلومترها دورتر به دست مدارس شبانه‌روزی سپرده می‌شدند و بسیاری از آنها دیگر هیچ‌گاه به زندگی قبلی خود بازنگشته و حتی دیگر اثری از آنها در جامعه نیز پیدا نمی‌شد. برخی عنوان می‌کردند این کودکان از مدارس فرار کرده و گم شده‌اند و برخی دیگری می‌گفتند بر اثر بیماری‌های مختلف جان خود را از دست داده‌اند. حالا در ۷۵۰ جسد دیگر، مشخص است هزاران نفر از این کودکان در مدارس شبانه‌روزی حضور داشته‌اند. حالا در ۲۱۵ کودک و نوجوان جدید، یک گور جمعی از ۲۱۵ کودک و نوجوان ۱۸ تا ۱۸ ساله و یک گور جمعی حاوی ۷۵۰ جسد دیگر در مکان‌های مدارس شبانه‌روزی تاکنون یافت شده است و مورخان و کارشناسان بر این اعتقادند احتمالاً گورهای جمعی دیگری نیز در تمام نقاط کانادا وجود دارند که آنها نیز باید کشف شوند.

تیتراهای امروز

قایم‌یافت: اطلاعات ضبط شده پس از توافق ۳ ماهه به آزانس داده نخواهد شد

اولتیماتوم علیه وقت‌کشی

عراقی: به اندازه کافی مذاکره انجام شده زمان تصمیم‌گیری است



صفحه ۲

سرلشکر سلامی با اشاره به دستاورد های هوافضای سپاه پاسداران خبر داد

۷۰۰۰ کیلومتر برد پهبادهای مان

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از بیم و امیدهای لایحه همسان‌سازی دائم حقوق بازنشستگان

همسان‌سازی در وقت اضافه!

صفحه ۲

وزیر آموزش و پرورش از آغاز سال تحصیلی جدید با شرایطی متفاوت از سال گذشته خبر داد

دانش‌آموزان مهرماه در مدرسه

صفحه ۲

نگاه

تداوم انتقام

عماد هلالات: ۲۶ ژوئن یک تاریخ بسیار ماندگار در اذهان تمام عراقی‌ها در دوران معاصر است. داعش شهرها و استان‌های عراق را یکی پس از دیگری تصرف می‌کرد و به انواع و اقسام جنایت‌هایی می‌پرداخت که بشر به خود ندیده بود. ژوئن سال ۲۰۱۴ پس از تصرف استان موصل عراق در شمال این کشور، فتوای آیت‌الله سیستانی، مرجع تقلید شیعیان مبنی بر جهاد کفایی و شکل‌گیری نیروهای مردمی برای مقابله با پیشروی داعش در این کشور، نقشه دشمنان عراق را خنثی کرد. دولابان مردمی گروه گروه به جبهه‌های جنگ می‌رفتند و با مدیریت درست شهید ابومهدی المهندس و مشاور مستشاران ایرانی بویژه شهید حاج‌قاسم سلیمانی، سیبج مردمی عراق تبدیل به یک نیروی نظامی و بازوایی قدرتمند برای حفظ عراق در برابر توطئه‌های دشمنان شد. اکنون حشدالشعبی عراق با گذار از بسیاری از توطئه‌ها و خیانت‌های مختلف، وارد هفتمین سالگرد تأسیس خود شده است. اکنون دیگر حشدالشعبی یک نیروی بسیار قوی و کارآمد برای تأمین امنیت عراق در جای‌جای این کشور است. به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل حشدالشعبی عراق، ۲۶ ژوئن مصداق ۵ تیرماه سال ۱۴۰۰ روزه نظامی این نیرو با حضور نخست‌وزیر عراق، وزیر دفاع و فرماندهان نظامی و امنیتی این کشور برگزار شد. این روزه پیام‌های مختلفی را برای دوستان و دشمنان داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی عراق در بر داشته است که می‌تواند معادلات جدید را در سطوح مختلف رقم بزند.

سطح داخلی

حشدالشعبی یک نیروی کاملاً رسمی ذیل دفتر نخست‌وزیر عراق است. سال ۲۰۱۶ این نیرو تحت فرمانی از سوی نخست‌وزیر وقت به عنوان یکی از نیروهای رسمی این کشور اعلام شد. پارلمان این کشور هم در همان سال، این فرمان را تصدیق کرد و حشدالشعبی جنبه رسمی به خود گرفت. حضور نخست‌وزیر این کشور در روزه نظامی این نیرو مبره تأییدی بر حمایت همه‌جانبه حاکمیت عراق از سیبج مردمی این کشور است. حضور اقلیت‌های مختلف از ایدی‌های مسیحی‌ها، صبی‌ها و همچنین حضور پرشور برداران اهل سنت در این روزه پیام وحدت را برای دوستان و دشمنان سیبج مردمی عراق مخابره کرد. سیبج مردمی متعلق به همه ملت عراق است و نماد عراق یکپارچه و موحد را به نمایش درآورد. از نکات قابل توجه زرمایش ۲۶ ژوئن این نیرو، نظم به‌رغم مردمی بودن از انضباط بسیاری بالایی برخوردار بود.

ادامه در صفحه ۶